

فصل‌نامه بین‌المللی علمی - تخصصی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)

سال نهم، شماره بیست و پنجم، بهار ۱۴۰۵ (صص ۱۸۸-۲۱۴)

مقاله پژوهشی

Doi: [10.22034/jmzf.2026.585435.1276](https://doi.org/10.22034/jmzf.2026.585435.1276)

تأملی بر مؤلفه‌های ایران‌دوستی در مواجهه با دشمن از شاهنامه تا سروده-

های جنگ رمضان

زهرآ نوری^۱

چکیده

ایران‌دوستی، عشق به وطن و پایداری در برابر دشمن یکی از مضامین مهم ادب فارسی است که شاعران و نویسندگان در بزنگاه‌های تاریخی به آن توجه کرده‌اند. در این مقاله با تأملی بر جایگاه ایران‌دوستی در ادبیات فارسی با تأکید بر موضوع مواجهه با دشمن، مؤلفه‌های پر تکرار آن در معنا و زبان، در ادبیات کلاسیک و معاصر بررسی شده است. جامعه آماری، آثار برجسته متون نثر و شعر است که در دوره‌های مختلف به موضوع وطن توجه کرده‌اند و برای بررسی جامع و کلی و بیان سیر تاریخی، تحلیل مؤلفه‌های پرتکرار از شاهنامه تا سروده‌های جنگ رمضان (جنگ آمریکا و اسرائیل با ایران) را شامل می‌شود. نتایج بررسی نشان می‌دهد، ایران‌دوستی و عشق به وطن مضمون مشترک همه دوره‌های ادبی در مواجهه با دشمن است؛ و دو واژه «ایران» و «وطن» در متون تکرار شده‌اند. در بن‌مایه فکری نیز ستایش رشادت و مقاومت تا شهادت در تقابل نكوهش خیانت به وطن قرار گرفته است. در توصیفات مشترک، توصیف‌هایی که از الگوی ایرانی اسلامی گرفته شده با دگردیسی نمادهای شاهنامه و تلمیح به داستان‌های اساطیری و دینی پرتکرار است. بدینگونه ایران‌دوستی در مواجهه با دشمن در ادبیات، توجه صریح به وطن و اظهار عشق، اندوه از هجوم دشمن و دعوت به حفظ وطن، رشادت و مقاومت تا شهادت در مقابله با دشمن، نكوهش خائنان به وطن و توصیف مفاهیم پایداری با الگوی توصیفی ایرانی اسلامی است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، ایران، وطن، دشمن، شاهنامه، جنگ رمضان.

^۱ دانش‌آموخته دکتري تخصصی زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

norikhorshid@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۲/۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۹

۱. مقدمه

نیازی به گفتن نیست که ادبیات گرانسنگ فارسی در همیشه تاریخ، از آغاز تا به امروز آیینۀ فرهنگ ملت و انعکاس‌دهندهٔ تاریخ این سرزمین بوده است و در کنار انواع ادبی متعدد با مضامین گسترده، یکی از مضامین آن هم مقابله با هجوم دشمن و حفظ وطن است؛ جایگاه این مفهوم نیز در ادب حماسی، ادب پایداری و دفاع مقدس که با مفاهیم مقاومت و جنگ ارتباط دارند، برجسته است. علاوه بر این، عشق به وطن در ادب غنایی و اجتماعی با توصیف‌های متنوع در مورد جغرافیای خاص زندگی نمونه‌های فراوان دارد، شاعران پیوسته به مسائل جامعه توجه کرده‌اند و یا در توصیف غنایی نام شهر و سرزمین خود را وصف نموده‌اند که نقطهٔ مشترک همهٔ آن‌ها چیزی جز ابزار عشق به سرزمین نیست (عباسی صاحبی، امامی، ۱۴۰۰: ۹۸). یک نگاه کلی نشان می‌دهد آثار ادبی در این موضوع گویای رفتار، افکار و کردار ایرانی در بزنگاه‌های تاریخی است. چنان‌که در هر دوره که دشمنی به سرزمین هجوم آورده یا استبداد و استعمار بوده و یا هر نابه‌سامانی که جامعه با آن مواجه شده، ادیبان متعهد به آن واکنش نشان داده‌اند و در برابر آن از ایران‌دوستی گفته‌اند، همین مسئله از آغاز ادب فارسی تا به امروز مشاهده می‌شود. از ادب حماسی تا ادبیات پایداری امروز، فاصله بسیار است اما مؤلفه‌های بنیادین که در هر دوره دیده می‌شود، تکرار واژهٔ ایران و وطن و محتوای مشابه است که تعهد به ایران و ایرانی را نشان می‌دهد. در این مقاله نگاهی به مؤلفه‌های پر تکرار در توصیف‌های زبانی و محتوایی این موضوع شده است و با انتخاب نمونه‌ای از آثار برجسته و شاخص دوره‌های مختلف ادبی، سیر تاریخی ایران‌دوستی و مؤلفه‌های پرتکرار آن بررسی شده است.

۱-۱. بیان مسئله و سؤالات تحقیق

مسئله اصلی تحقیق، بررسی مؤلفه‌های پرتکرار و مشابه در ادبیات فارسی است که در موضوع ایران‌دوستی در مواجهه با دشمن دیده می‌شود. با تأکید بر آثار برجسته که در این موضوع هستند و با نگاهی به شعر شاعران کلاسیک و معاصر سعی شده است، بحثی جامع و کلی در وصف جایگاه ایران و هویت ملی در ادبیات و توصیف‌های مهم پیرامون این موضوع انجام بگیرد تا شباهت‌ها و نگرش‌های یکسان که در ادبیات وجود دارد، بررسی شود، بر همین مبنا دو سؤال مهم در نگارش مقاله در نظر است که عبارتند از:

۱- مهم‌ترین بن‌مایه فکری در موضوع ایران‌دوستی در مواجهه با دشمن در ادبیات ما چگونه است؟

۲- در آثار ادب فارسی از شاهنامه تا سروده‌های جنگ رمضان کدام الگوی توصیفی در موضوع ایران و مواجهه با دشمن تکرار شده است؟

۱-۲. اهداف و ضرورت تحقیق

یکی از محتواهای برجسته ادبیات فارسی، پایداری در مقابل دشمن است که برای حفظ سرزمین و پاسداشت هویت ملی و دینی شکل گرفته است و با مضامین متنوع از آغاز شعر فارسی تا به امروز ادامه یافته است و هر ساله نیز تحقیقات متعددی در این موضوع‌ها چاپ می‌شود، اما بررسی این مسئله که در همه این قرن‌ها، کدام محتوا و الگوی توصیفی در این موضوع در ادبیات تکرار شده است، دستاورد تازه‌ای خواهد بود که بررسی آن در شناخت فرهنگ ایرانی تأثیرگذار است، لذا ضروری است که تأملی در جایگاه ایران‌دوستی در سیر تاریخی از ادبیات کلاسیک به معاصر تا امروز انجام بگیرد و به این موضوع پرداخته شود که کدام مؤلفه‌ها در این آثار تکرار شده است، در راستای این

بررسی، در این مقاله ایران‌دوستی در ادبیات از شاهنامه تا سروده‌های معروف جنگ رمضان که اختصاص به موضوع مواجهه با دشمن دارند، بررسی شده است. جنگ رمضان عنوانی است که در ادبیات رسانه‌ای ایران برای اشاره به درگیری میان جمهوری اسلامی ایران و ائتلاف متشکل از ایالات متحده آمریکا و اسرائیل از ۹ اسفند ۱۴۰۴ آغاز شد، به کار گرفته می‌شود (نقل از سایت تابناک، <https://www.tabnak.ir>).

هدف تحقیق، شناسایی مؤلفه‌های پرتکرار در توصیف‌های زبانی و محتوایی این آثار است و تأکید بر این موضوع است که مشخص شود کدام الگوی توصیفی و محتوایی در این قرن‌ها در موضوع ایران دوستی و واکنش به هجوم دشمن به سرزمین‌مان در ادبیات تکرار شده است.

۳-۱. پیشینه تحقیق

ایران‌دوستی و موضوع وطن در تحقیقات ادبی مکرر آمده است، از جمله مقاله «تلقی قدما از وطن» شفیع‌ی کدکنی (۱۳۵۲) که نگاه شاعران ادب فارسی را در دوره‌های مختلف ادبی بررسی کرده است؛ طیب چهری و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «فضیلت وطن‌دوستی در شاهنامه و نظریه فضیلت ارسطو» شاهنامه فردوسی را تحلیل کرده‌اند. یا نمونه‌های بسیار است که این موضوع در شعر شاعران دوره معاصر بررسی شده است از جمله کتاب‌هایی که در مورد ادب معاصر نوشته شده‌اند، مثل کتاب «وطن در شعر معاصر فارسی» از شیبایی (۱۳۹۶) یا مقاله‌های «بازتاب جغرافیای وطن در ادبیات منظوم کلاسیک و معاصر فارسی» از عباسی صاحبی و امامی (۱۴۰۰)، «وطنیات و رویکردهای آن در مسمط‌های دوره مشروطه» از رادفر و همکاران (۱۳۹۶) «وطن‌گرایی در شعر دفاع مقدس» از حسن ترابی و شریف‌پور (۱۳۹۴)، «وطن‌دوستی در سروده‌های اخوان ثالث و ایلیا ابوماضی» از حجازی و رحیمی (۱۳۹۰)، «جلوه ایران دوستی و اسلام باوری در شعر فرخی یزدی» از سعدون زاده (۱۳۹۰)، «وطن در شعر

مشروطه» از نیکوبخت و زارع(۱۳۸۵)، و غیره. در این پژوهش‌ها، وطن موضوع خاص تحلیل‌ها است اما تاکنون سیر تاریخی وطن‌دوستی در ادبیات و تحلیل مؤلفه‌های بنیادین و مشترک وطن‌دوستی که در ادب کلاسیک و معاصر مشابه هستند و تکرار شده‌اند، انجام نگرفته است و در توصیف‌های ایران‌دوستی در مواجهه با دشمن به ویژه با جامعه آماری تحقیق حاضر پژوهش مستقل و جامع وجود ندارد و این پژوهش در ادامه پژوهش‌های قبلی در نمود دیگر از ایران‌دوستی در ادبیات فارسی نوشته می‌شود.

۲. بحث و یافته‌های تحقیق

۲-۱. ایران‌دوستی با تکرار واژه ایران، وطن

در مواجهه با دشمن، شاعران و نویسندگان متعهد از عشق به وطن گفته‌اند، اندوه نابه سامانی آن را دارند، این اظهار عشق در هر دوره‌ای با مفاهیم پایداری و اندوه از هجوم دشمن بیان گردیده است. در مقایسه ادبیات کلاسیک و معاصر، واژه ایران، وطن و به مصداق واژه‌ها، مفهوم ایران‌دوستی و به مصداق انواع ادبی، محتوای وطنی کمتر است، شفيعی‌کدکنی در کتاب ادوار شعر فارسی تأکید دارد مفهوم وطن صرفاً با ادبیات مشروطه آغاز شده است و حتی حدیث «حب الوطن من الایمان» جای شک دارد، نوشته است: «تلقى قدما از وطن به هیچ‌وجه همانند تلقی‌ای نیست که ما بعد از انقلاب کبیر فرانسه از وطن داریم. وطن برای مسلمانان یا دهی و شهری بوده که در آن متولد شده بودند یا همه عالم اسلامی» (شفيعی‌کدکنی، ۱۳۸۳: ۳۶). در مقاله‌ای هم که در این موضوع نوشته است، بیان کرده در دوره‌های ادبی، تلقی قدما از وطن با صبغه اقلیمی، قومی، عرفانی و اسلامی بوده است (شفيعی‌کدکنی، ۱۳۵۲: ۲۶). مسلماً در مقایسه مضمونی، در شعر معاصر وطن یک کلیدواژه مهم است و در دوره مشروطه به یکی از مضامین اصلی شعر فارسی تبدیل شد چنان‌که گفته‌اند «وطن‌خواهی و میهن‌پرستی صدای اصلی شعر مشروطیت است» (ناصر، ۱۳۸۲: ۳) بعد از آن هم در شعر

اجتماعی و پایداری تا به امروز حضور دارد، با وجود انبوه آثار ادبی در این موضوع، مسلم است در مقایسه دو ادب، ادب کلاسیک محتوای کمتری در مورد وطن با نگرش امروزی در مفهوم حفظ تمامیت ارضی و هویت قوم ایرانی دارد اما یک نگاه از سر تأمل داشته باشیم، ایران دوستی در ادبیات کلاسیک با داشتن نمونه‌های اندک، قابل توجه است، مصداق اصلی ایران دوستی ادب کلاسیک، چنان که همه می‌دانیم، شاهنامه است که برای حفظ و ترویج هویت و فرهنگ ایرانی سروده شد. فردوسی چنان پایبند ایران دوستی و فرهنگ و زبان فارسی است که حتی در انتخاب واژه‌ها دقت دارد به گفته اسلامی ندوشن: «فرهنگ‌نامه‌ای عظیم، مجموعه بزرگی است از اسطوره‌ها و سنت‌ها و رسم‌ها و معتقدات مردم ایران و واژه‌نامه‌ای است که در آن زیباترین و اصیل‌ترین کلمات زبان فارسی به کاررفته است» (۱۳۷۹: ۵۴) سرایش آن زمانی است که هویت ایران بعد از هجوم دشمن تازی و انیران در خطر بود و فردوسی به گفته خودش سی سال رنج کشید و کاخی ساخت که هیچ چیز گزندگی به آن نمی‌رسد «واژه ایران بیش از ۸۰۰ بار و به روایتی بیش از ۱۴۰۰ بار در شاهنامه ذکر شده است» (نقل از چهری و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۴) در مفهوم ایران دوستی در این اثر، جستجو کنیم، شخصیت برتری که فردوسی به عنوان قهرمان ملی در دفاع از سرزمین در مواجهه با دشمن انتخاب کرده و بعد از شاهنامه یک الگوی توصیفی در وصف قهرمانان گشته است، شخصیت «رستم» نام‌بردنی است، فردوسی او را پرورده و فرهنگ ایرانی نیز بعد از شاهنامه رستم را به عنوان الگو پذیرفته است؛ چنان‌که با دگردیسی در نمادهای عرفانی، انسان آرمانی می‌شود و در شعر پایداری قهرمان ملی می‌گردد.

رستم که در روایت زندگی‌اش در شاهنامه، بارها در مقابل دشمنان ایستاد و همه را شکست داد، تا جایی که ناآگاهانه به خاطر حفظ وطن، پسرش سهراب را کشت، سهرابی که حمله‌اش به ایران نشئت گرفته از غرور بود، افراسیاب وقتی خبر حمله او را شنید خوشحال شد و لشکر کمکی به او فرستاد و به همه تأکید کرد مبدا میان

سهراب و رستم آشنایی ایجاد شود شاید رستم به دست سهراب کشته شود. وقتی هم سهراب کشته شد کاووس‌شاه به عمد نوشدارو نفرستاد مبادا که سهراب با پدر یکی شود و او در خطر بیفتد، این چنین رستم با ناآگاهی برای حفظ وطن فرزند کشت، وقتی فهمید که پسر خود را کشته است، از درد و اندوه قصد خودکشی کرد اما بزرگان مانع شدند.

یکی دشنه بگرفت رستم به دست که از تن ببرد سر خویش پست
بزرگان بدو اندر آویختند ز مژگان همی خون فرو ریختند
(فردوسی، ۱۳۷۵: ۲/ ۱۹۰)

زمان گذشت و در داستان سیاوش - که گویی همچون سهراب از دست رفته‌اش بود - به خونخواهی سیاوش که نماد مظلومیت ایرانی بود، سودابه همسر کاووس‌شاه را که مسبب رفتن سیاوش به سرزمین توران بود، کشت و عهد بست که انتقام سیاوش را بگیرد. سرانجام این کین‌خواهی نیز، کشته شدن افراسیاب و تمام شدن حمله توران به ایران است.

سرنوشت او به گونه‌ای است که در سرانجام زندگی، مرگ را بر ننگ ترجیح می‌دهد؛ در رزم با اسفندیار، سیمرغ یاریگر از رویین‌تنی اسفندیار به او گفت و توصیه کرد به دنبال جنگ با او نباشد، به او هشدار داد که هرکس اسفندیار را بکشد، بد می‌بیند و می‌میرد. اما رستم مرگ را بر ننگ ترجیح داد و به او گفت همه خواهند مرد و همین‌که با نام نیکو بمیرد برایش کافی است.

چنین گفت سیمرغ کز راه مهر بگویم کنون باتو راز سپهر
که هرکس که او خون اسفندیار بریزد ورا بشکرد روزگار
به سیمرغ گفت ای گزین جهان چه خواهد برین مرگ ما ناگهان
جهان یادگارست و ما رفتنی به گیتی نماند به جز مردمی

به نام نکو گر بمیرم رواست مرا نام باید که تن مرگ راست
(همان: ۳۸۳)

بعد از این داستان، نه در جنگ با دشمن، بلکه با خیانت به دست شغاد نابردار کشته می‌شود و در آخرین ثانیه‌های عمرش نیز انتقام خودش را می‌گیرد. این چنین رستم از شاهنامه خارج می‌شود اما در حافظه ملی ایرانیان ثبت می‌گردد و در هر دوره‌ای کاربرد نمادین می‌یابد و نامش یادآوری ایران‌دوستی و مقاومت در برابر دشمنان است. بی‌شک این کاربرد نمادین ادامه دار در هر قرنی، حاصل فرهنگ ایرانی است.

ایران‌دوستی فردوسی را در جاهای دیگر شاهنامه دنبال کنیم، روایتش از حمله اسکندر، گفتنی است، این بخش داستان شکست ایرانیان و مرگ دارا و پیروزی اسکندر است، عاطفه ایران‌دوستی‌اش، چنان است که سعی دارد، نسب‌نامه ایرانی برای او بگوید، گویی نخواست و نتوانسته شکست و تسلط اسکندر بر ایران را تاب بیاورد، سرانجام داستان نیز وقتی اسکندر پیروز می‌شود خود را دارا می‌نامد «بدانید که امروز دارا منم» (همان، ۵/ ۵۶۱) وقتی از روشک خواستگاری می‌کند می‌گوید

دل خویش را پر مدارا کنید مرا در جهان نام دارا کنید
(همان، ۵/ ۶)

بعد از فردوسی، اگر به دنبال شاعر شاخص باشیم که از ایران گفته است، نظامی گنجیه‌ای شاعر نام‌آور ادب غنایی است که با یک بیت ایران‌دوستی‌اش را موجز و کوتاه و تأثیرگذار بیان کرده است. در منظومه هفت پیکر که روایت زندگی بهرام گور است در ابتدای منظومه، قبل از داستان اصلی در بخش «دعای پادشاه سعید علاء الدین کرب ارسلان» گفته است

همه عالم تن است و ایران دل نیست گوینده زین قیاس خجل
چونکه ایران دل زمین باشد دل ز تن به بود یقین باشد
(نظامی، ۱۳۸۱: ۴۳۱)

در منظومه اسکندرنامه هم برخلاف شاهنامه، واقع‌بینانه به تاریخ نگریسته و در بازگویی روایت با نقد عملکرد دارا در ستم و ظلم و تأکید بر خیانت سرهنگان، از کشته شدن او به دست سرهنگان ناراحتی می‌کند. در ادامه همانند فردوسی، چهره‌ای مهربان از اسکندر ترسیم کرده که خلاف گجستگی اوست، اسکندر آن دو نفر را می‌کشد و به وصیت دارا با دخترش ازدواج می‌کند و سرانجام در بخش «اقبال نامه» شخصیتی عارف‌گونه به وی می‌دهد.

بعد از نظامی، در قرن هفتم، به دورانی وارد می‌شویم که مغول در سال ۶۱۶ ه.ق به ایران حمله کرد و روزگاری پرآشوب و ویرانگر در تاریخ ایران اتفاق افتاد، واکنش ادیبان به این واقعه و قتل عام وحشیانه، سوگواری و اندوه برای وطن است، همین اندوه‌ها نشانی از ایران‌دوستی است، مثل کتاب نفثه‌المصدر که روایت شکست سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه از مغولان است، نسوی وطن‌پرستی است که اندوه دارد و به گفته خودش گرچه از روی عقل فرار می‌کند (نسوی، ۱۳۸۵: ۲۴) و شهر به شهر از مغول دور می‌شود و به غربت می‌رود اما مرگ به دست تاتار را از بودن و زندگی با آن‌ها خوش‌تر می‌داند. در پایان کتاب می‌گوید او کسی نیست که از وطن دل برکند: «از آن‌ها نیستم که به فراغت ریزه‌ای که در غربت - حیث کان - دست دهد، دل از مسقط الرأس و منشا و مبدأ و اساس برتواند داشت و نه از آن قبیله که با هر قومی - کائنا من کان - درآمیزم» (همان: ۱۱۹).

یا نمونه دیگر کتاب «تاریخ جهانگشا» را می‌توان نام برد. این کتاب بازگویی تاریخ مغول است نویسنده با دقت فجایع مغول را توصیف می‌کند تا آیندگان بدانند. برای

نمونه در توصیف اوضاع پریشان کشور، از اندوه مرگ فضلا و علما و ادبا می‌گوید هنر را باید در دل خاک جستجو کرد.

«به سبب تغییر روزگار و تأثیر فلک دوّار و گردش گردون و اختلاف آن در دست لگدکوب حوادث، پایمال زمانه غدار و روزگار مکار شدند و به صنوف صروف فتن و محنت گرفتار و در معرض تفرقه و بوار معروض سیوف آبدار شدند و در حجاب تراب متواری ماندند.

هنر اکنون در دل خاک طلب باید کرد زانک اندر دل خاکند همه پرهبران»
(جوینی، ۱۳۸۸: ۱۱۵)

در اشعار این دوره نیز رباعی زیر از کمال‌الدین اسمعیل می‌تواند گویا باشد که چگونه وطن غرق در اندوه است و شاعر غمگین آن را چنین بازگو کرده است

کو دیده که تا بر وطن خود گرید بر حال دل و واقعه بد گرید؟
دی بر سر یک مرده دو صد گریان بود امروز یکی نیست که بر صد گرید
(اصفهانی، ۱۳۴۸: ۹۶۴)

بعد از دوره مغول و سبک عراقی، در سبک هندی، ایران برای شاعران در مقابل هند قرار گرفت، شاعرانی به عادت دریافت صله و اینکه شاهان صفوی خواستار شاعر مداح نبودند راهی هند شدند اما ایران برای خیلی از آن‌ها به عنوان وطن اصلی ستایش شد و هند همچنان غربت باقی ماند، برای مثال شعر صائب تبریزی، شاعر برجسته این دوره را واکاوی کنیم؛ واژه وطن و ایران در شعرش فراوانی دارد. در آن دوره که سفر به هند افتخار خیلی از شاعران بود، صائب هم مدتی در هند زندگی کرد اما عشق ایران هرگز در شعر او کم نشده است حتی به نکوهش غربت پرداخته است، مانند بیت زیر که گفته است.

غربت می‌پسندید که افتید به زندان

بیرون ز وطن پا مگذارید که چاه است

(تبریزی، ۱۳۶۵: ۲ / ۱۰۵۶)

از دوره بازگشت که تقلیدی از سبک خراسانی و عراقی است، عبور کنیم، وقتی به ادب معاصر می‌رسیم، صدای وطن از متون ادبی به گوش می‌رسد. با وقوع انقلاب مشروطه، شاعران و نویسندگان به مسائل جامعه توجه عمیق نشان می‌دهند و همانگونه که به نقل از شفیعی کدکنی گفته شد، در این دوره، وطن مضمون اصلی ادبیات گشت و از همین دوره تا امروز نیز در شعر معاصر، ایران‌دوستی با توصیف‌های ملی و دینی ادامه یافته است. نمونه تصادفی از اشعار شاعران دوره مشروطه، موارد زیر انتخاب شده که اندوه شاعران را از نابه‌سامانی کشور در برابر استبداد و استعمار نشان می‌دهد

برای نمونه میرزاده عشقی با اندوه فراوانی، از اوضاع نابه‌سامان ایران گفته است

الا ای مرگ در جانم درآویز

که جام عمر من گردید لبریز

چه سان من زنده مانم ملک ایران

به سر گیرد دوباره دور چنگیز

(عشقی، ۱۳۵۷: ۴۰۶)

فرخی در غم وطن ناله سر داده است

مرا بارد از دیدگان اشک خونی

بر احوال ایران و حال کنونی

غریقم سراپای در آب و آتش

ز آه درونی ز اشک برونی

(فرخی یزدی، ۱۳۶۳: ۱۹۴)

عارف قزوینی می‌گوید

ز پا فکنده مرا سخت غصه و غم ایران

به مرگ راضیم از وضع نامنظم ایران

(قزوینی، ۱۳۸۹: ۷۱)

بهار گفته است



یارب تو نگهبان دل اهل وطن باش
کامید بدیشان بود ایران کهن را
(بهار، ۱۳۸۷: ۵۹۲)

نمونه زیر از اشعار مشیری با عنوان «همیشه با تو» است که در عشق وطنی سروده و آن را به ایران تقدیم کرده است

معنای زنده بودن من ، با تو بودن است / نزدیک، دور / سیر ، گرسنه / رها ، اسیر
/ دلتنگ ، شاد / آن لحظه‌ای که بی تو سر آید مرا مباد / مفهوم مرگ من / در راه
سرفرازی تو ، در کنار تو / مفهوم زندگی است / معنای عشق نیز / در سرنوشت من /
با تو ، همیشه با تو / برای تو ، زیستن (مشیری، ۱۳۸۸: ۸۳۱ - ۸۳۲).

در ادامه شعر معاصر با شروع ادبیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، دفاع از وطن و حفظ آن با وجهه حماسی بن‌مایه آثار ادبی گشت مانند ابیات زیر از حمید سبزواری که در محتوای حفظ وطن در مقابل دشمنان و منافقان سروده است. به پیروان قرآن سوگند خورده است که یک ذره از خاک وطن را از دست نمی‌دهیم

چه طوس و چه تبریز و چه کرمان و زرد
چه پاوه و سردشت و مریوان و مرند
یک ذره ز خاک میهن از کف ندهیم
سوگند به پیروان قرآن سوگند
(سبزواری، ۱۳۶۸: ۴۴۷)

یا با اندیشه غنایی و زبانی ساده، عشق به وطن تکرار شد. مثل شعر «میهن» شعر موسوی گرمارودی که عشق خود را به وطن می‌گوید و تأکید می‌کند انقلاب و وطن را دوست دارد.

این سرزمین علم و دین را دوست دارم	من میهنم ایران زمین را دوست دارم
تاریخش از نقش ستم هم رنگ خون است	اینجا که خاکش با شهیدان لاله گون است
این سرزمین عشق را آسان نگیری	اینجا مهد علم و ایثار و دلیری
از آستارا تا کنار رود اروند	از خاک گرمارود تا آن سوی الوند
تنب بزرگ و کوچکش هم خانه ماست	هر گوشه و هرجای آن کاشانه ماست

من خاک پاک خویشتن را دوست دارم / هم انقلاب و هم وطن را دوست دارم
(موسوی گرمارودی، ۱۳۸۹: ۴۹۷)

بار دیگر اشعار وطنی با شروع دفاع مقدس دوم (جنگ ۱۲ روزه اسرائیل با ایران) و سوم (جنگ رمضان) در جنگ با دشمن اسرائیلی و امریکایی فراوانی یافت، در میان این آثار شعر «علاج» و «حسبی الله» انتخاب شده که برای نمونه وطن‌دوستی مثال-زدنی است. در شعر علاج سروده کاظم بهمنی که با خوانندگی محسن چاووشی در جنگ دوازده روزه با اسرائیل منتشر شد، شاعر با توصیفی زیبا علاج را در وطن‌خواهی توصیف کرده است.

مردم، علاج در وطن است / دنیا فقط لب و دهن است

(نقل از سایت <https://www.mehrnews.com>)

در شعر حسبی‌الله که سروده مهدی عباسی با خوانندگی محسن چاووشی در جنگ رمضان است، شاعر به نکوهش خائنان وطن پرداخته است و با تأکید بر ایران-دوستی، کسانی که در عشق به وطن شک می‌کنند را نکوهش می‌کند.

میان دشمن و وطن / ننگ بر آنکه شک کند / ننگ بر آن که خواسته / شمر به ما

کمک کند (نقل از سایت <https://azadisq.com/mag/>)

۲-۲ ستایش رشادت و شهادت، نکوهش خیانت

مفاهیم و مضامین شعر پایداری متعدد است و در هر دوره‌ای، مصداق‌های بارز خود را یافته است اما اگر در موضوع مواجهه با دشمن خارجی و مختص جنگ، مرتبط با وطن‌دوستی آن را خلاصه کنیم. در تقابل محتوا ستایش رشادت و مقاومت وطن-دوستان در برابر دشمن در مقابل نکوهش خیانت در ادبیات دیده می‌شود.

از شاهنامه، مقاومت و رشادت رستم که در ادبیات ماندگار شده، مثال بزنیم، او همیشه برای عزت ایران جنگیده است، بیت زیر سخنی از زبان وی در خونخواهی سیاوش است، وقتی که خبر از مرگ غریبانه سیاوش یافت، در کین‌خواهی او گفت

همی جنگ با چشم گریان کنم جهان چون دل خویش بریان کنم

(فردوسی، ۱۳۷۵: ۲/ ۳۸۳)

مصدق همین بیت در دفاع از وطن در مقابل دشمن اسرائیلی و امریکایی را در جنگ رمضان شاهد هستیم که در عرصه میدان و خیابان وطن‌دوستان و رزمندگان با چشم گریان جنگیدند.

سرانجام فردوسی بعد از رشادتهای رستم در راه وطن، با خیانت نابردارش شغاد، او را از شاهنامه خارج می‌کند، شغاد نمادی از خائن به وطن است که بر پایه خوی اهریمنی در حسادت به رستم با فریب، او را به کابل فرا می‌خواند. او از اینکه رستم از کابل باج می‌گیرد، ناراحت است زیرا داماد شاه کابل است و انتظار دارد رستم به این دلیل بر آنها سخت نگیرد، برای همین با همدستی دشمن (شاه کابل) نقشه قتل برادر می‌کشد و به بهانه مهمانی، چاهی در باغ حفر می‌کند و رستم را از آنجا می‌گذرانند، وقتی که رستم به چاه می‌افتد، بر سرچاه می‌آید و به او می‌گوید

تو چندین چه نازی به خون ریختن به ایران به تاراج و آویختن

ز کابل نخواهی دگر بار سیم نه شاهان شوند از تو زین پس به بیم

که آمد که بر تو سر آید ز مان شوی کشته در دام اهریمنان

(همان: ۴۵۲-۴۵۳)

فردوسی صفت «شغاد پلید» را در وصف خیانت او به کار برده و از زبان رستم به او «بی‌وفا» گفته است و با ویژگی حماسی، چنان توصیف کرده است که در لحظات آخر عمر، رستم قاتل خود را می‌کشد، انتقام می‌گیرد و از جهان می‌رود. بعد از آن

هم پسرش، فرامرز وقتی خبر مرگ پدر می‌شنود به کابل می‌آید و شاه کابل را می‌کشد و آنجا را ویران می‌کند. بدین‌گونه سزای خیانت بدون پاسخ نمانده است. نظامی هم در اسکندرنامه در مواجهه با حمله اسکندر و مرگ دارا، وطن‌دوستی را در تقابل با خیانت خائنان توصیف کرده است. در روایت جنگ او با اسکندر از رشادت دارا چنین گفته است

جهانجوی دارا ز قلب سپاه	بر آشفست چون شرزه شیر سیاه
به دشمن گرائی به خصم افکنی	گشاده بر و بازوی بهمنی
به هر جا که بازو برافراختی	سر خصم در پایش انداختی
نشد بر تنی تا نپرداختش	نزد بر سری تا نینداختش
ز بس خون رومی دران ترک‌تاز	هزار اطلس رومی افکند باز

(نظامی، ۱۳۸۱: ۶۶۷)

در توصیف‌اش گفته در میانه جنگ، دارا قصد آشتی دارد اما همچنان مخالفان از جمله دو سرهنگ، بر جنگ تأکید دارند روز بعد، دارا توسط همین دو سرهنگ غدار به خیانت کشته می‌شود. در توصیف خیانت آن‌ها می‌گویند حق نعمت شاه را نگه نداشتند

حق نعمت شاه بگذاشتند	پی کشتن شاه برداشتند
----------------------	----------------------

(همان: ۶۶۹)

با توصیف‌های اندوهناک، مرگ او را افتادن درخت کیانی گفته است

درافتاد دارا بدان زخم تیز	ز گیتی برآمد یکی رستخیز
درخت کیانی درآمد به خاک	بغلطید در خون تن زخم‌ناک

(همان: ۶۷۲)

همچنان که در شاهنامه و شعر نظامی، آمده است خود اسکندر از مرگ دارا متأثر شد و خائن را کشت.

در حمله مغول و مرگ جلال‌الدین خوارزمشاه (آخرین پادشاه خوارزمشاهیان) هم گرچه از منظر تاریخی، علت مرگ وی به طور دقیق مشخص نشده است و روایت‌های کشته شدن به دست مغول یا به دست اکراد و مفقود شدن را آورده‌اند (فرخی، ۱۳۹۶) اما نسوی در نفثه‌المصدور رشادت و مقاومت او را در برابر مغول توصیف کرده و در مرگ او باور به کشته شدن با ناجوانمردی به دست اکراد دارد؛ پیوسته به ستایش جلال و نکوهش قاتلان پرداخته است. در ستایش وی نوشته است که بخت خفته اسلام بود و در توصیفش او را به کیخسرو تشبیه کرده است که از چینیان انتقام کشید.

«بخت خفته اهل اسلام بود بیدار گشت پس بخت، چرخ آشفته بود بیارآمید پس برآشفته، مسیح بود جهان مرده را زنده گردانید پس به افلاک رفت، کیخسرو بود از چینیان انتقام کشید در مغاک رفت. چه می‌گویم و از این تعسف چه می‌جویم نور دیده سلطنت بود، چراغ وار آخر کار شعله‌ای برآورد و بمرد. نی نی بانی اسلام بود، بدأ غریباً و عاد غریباً» (نسوی، ۱۳۸۵: ۴۷)

در اندوه کشته شدن‌اش گفته است با ناجوانمردی او را به باد دادند: «افسوس که به نامردی و ناجوانمردی سور و باروی ملت و سوار میدان سلطنت، بانی اساس جهانبانی و مضحک ثغور مسلمانی که از نهیب او زهره در دل خاکساران آتشی آن آب می‌شد، به باد بردادند» (همان: ۴۵).

در ادبیات معاصر هم که مقاومت و رشادت در مواجهه با دشمن، مضمون برجسته ادب‌پایداری در آمد. توصیف رشادت وطن‌دوستان در مقابل نکوهش خیانت آمده است. در شعر مشروطه، شاعران، خائن به وطن و ملت را در همراهی با استبداد و

استعمار و ظلم به مردم نکوهش می‌کردند و مرگ را سزاوار آنان می‌دانستند مثل بیت زیر از عارف قزوینی که گفته است.

جز این مدار توقع سرِ خیانتکار
به دار تا نرود رفعِ دردسر نکند
(عارف قزوینی، ۱۳۸۹: ۱۹۴)

در دورهٔ پهلوی، شاعران ملی در واکنش به حوادث تاریخی در نکوهش و مبارزه با رژیم پهلوی و حضور استعمار در کشور شعر سروده‌اند چنان‌که شعر این دوره، آیینه تاریخ معاصر گشته است در موضوع پایداری و مواجهه با دشمن، در جریان شعر نو قبل از وقوع کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ شاعران از مقاومت و پیروزی می‌گویند اما بعد از کودتا یأس و ناامیدی از شکست مضمون فراگیر می‌شود که یک بخش ناامیدی از خیانت یاران بود. در دهه چهل از درون جریان شعر نو، جریان شعر مقاومت با موضوع خاص پایداری شکل می‌گیرد و تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه می‌یابد و بعد از آن شعر دفاع مقدس است، یک بخش محتوا در این دوره، ستایش مدافعان وطن و نکوهش منافقان بود. نمونه مثل شعر حمید سبزواری را می‌توان بیان کرد. در ابیات زیر رزمندگان و شهیدان را توصیف کردند که قهرمان عرصهٔ ایمان هستند و جانشان را برای آزادی فدا می‌کنند.

ای شهیدان سنگر توحید/ مرزبانان کشور توحید / پشتبانان مکتب اسلام /
پاسداران دفتر توحید/ قهرمانان عرصه ایمان/ پیشگامان لشکر توحید/ سرنهاده به
پای آزادی/ کرده جان را فدای آزادی/ جاودان باد نامتان جاوید/ ای پیام آوران کوی
امید/ من به سوگ شما به رنجم و هست/ بر شما لحظه شهادت عید/ زآنکه هرگز
نمیرد آنکه شود / در رضای خدای خویش شهید/ زندگی جوشد از مزار شما / رحمت
و عافیت نثار شما (سبزواری، ۱۳۶۸: ۲۰).

در مقابل این‌گونه اشعار، بخشی از اشعار او نکوهش منافقان است مثل شعر «معماران جهل» که در نکوهش منافقان حزب مجاهدین خلق در جنگ تحمیلی

سروده است؛ آن‌ها را جاهلانی توصیف کرده که باعث دردسر مردم و ننگ خودشان شده‌اند.

نغمه پردازند اما ساز غفلت می‌زنند بر صداع خلق و ننگ خویشتن افزوده‌اند
روز میدان با حناپندان به خلوت خفته‌اند رسم مردی را به رنگ سفلیگی آلوده‌اند
(همان: ۴۳۱-۴۳۲)

در توصیف رشادت و مقاومت رزمندگان در جنگ دوازده روزه و جنگ رمضان هم، رزم‌نامه‌های متعدد سروده شد که نکوهش رشادت و نکوهش خیانت مؤلفه برجسته در آن‌ها است. از جمله شعر معروف «بزن که خوب می‌زنی» نمونه‌ای اشعار پرشور حماسی است که شاعر آن حجت‌الاسلام علی مقدم در شب حمله سپاه به پایگاه العدید در جنگ دوازده روزه سروده است و مهدی رسولی در جنگ رمضان با تلفیق با چند شعر، آن را مداحی کرد. این شعر «قطعه‌ای است که جلوه‌ای از روح حماسی ایرانیان را به نمایش می‌گذارد و به سبب خلق به هنگام، توانسته است در ضمیر مخاطب ماندگار شود. این اثر که با شعری از علی مقدم و با صدای مهدی رسولی تولید شده، با اشاره به نمادهای ملی، اساطیری و قرآنی، رجزی است در مصاف با دشمنی که گمان می‌کرد می‌تواند در عرض چند هفته قلب ایران را تسخیر کند» (نقل از خبرگزاری تسنیم، www.tasnimnews.ir) کل شعر محتوای رجزخوانی برای دشمن و نکوهش طاغوت است. آغاز شعر با این بیت است.

تو رستم تهمت‌نی بزن که خوب می‌زنی

تو شیر پیل افکنی بزن که خوب می‌زنی (نقل از سایت <https://nournews.ir>)

در ادامه نیز با تلمیح به داستان فرعون و فضای جنگ، از نابودی دشمن گفته است

این فصل آخر است که آغاز می‌کنیم/ این بار هم به نام حق اعجاز می‌کنیم/ دریا گواه ماست که فرعون نماندنی ست/ داریم سوی معرکه پرواز می‌کنیم (همان).

با تکرار «بزن که خوب می‌زنی» رشادت و حمله مدافعان را وصف کرده است

نترس از اینکه دارد روبه‌رویت ناو می‌آید/ که دارد سوی یک شیر گرسنه گاو می‌آید/
تو رستم تهمت‌نی/ بزن که خوب می‌زنی/ تو شیر پیل‌افکنی/ بزن که خوب می‌زنی/ به
فرق کاخ و تخت‌شان/ بزن که خوب می‌زنی/ به زندگی نحس‌شان/ بزن که خوب می‌زنی/
به قلب دشمن/ بزن که خوب می‌زنی/ ... حسینی با یزیدی صلح یک ساعت نخواهد
کرد/ کسی مانند ما با مثل او بیعت نخواهد کرد/ شبیه چهارپا در باتلاق مرگ وا مانده/
ببین بر روی نحسش سیلی ایران به جا مانده (همان).

در شعر علاج و حسبی‌الله هم یک بخش محتوا، نکوهش خیانت است که شاعران
آن‌ها را برحسب ماهیت‌شان در جنگ دوازده روزه و جنگ رمضان توصیف کرده‌اند،
در شعر «علاج» کاظمی، با بیان اینکه خائن همیشه بوده و هست، آن‌ها را «جماعت
پست» و «مزدور جیره‌خوار» معرفی کرده است که نباید بر آن‌ها رحمی کنیم

خائن همیشه بوده و هست / این دست‌پخت اجنبی است / نفرین به این جماعت پست
/ وقتی غبار فتنه نشست، / رحمی مباد بر ستم / مزدور جیره خوار کنید (نقل از سایت
<https://www.mehrnews.com>).

در شعر «حسبی‌الله»، عباسی، با مخاطب قرار دادن امام علی(ع) ظلم ظالمان و
درخواست کمک خائنان را از دشمن برای حمله به کشور توصیف کرده است. در
وصف خائنان از عبارت سنگدل روسیاه، دریدگان پرغضب، دهان نجس‌ها، مریض‌ها،

واجب‌المطبها و قماش تجزیه‌طلب استفاده کرده است، کسانی که به وطن پشت کردند و به اهریمن التماس می‌کنند و می‌گویند بزن

تکیه به عرش داده‌ای/ به این زمانه خیره‌ای/ چقدر آیه سوخته/ چه روزگار تیره‌ای/ خیره به پست‌تر شدن/ خیره به خیره‌سر شدن/ خیره به حمله‌ور شدن/ خیره به خون‌جگر شدن/ به این همه فراعنه/ به برده‌داری نوین/ به خوردن تن جنین/ به این قساوت زمین/ مدرسه‌های بی‌پناه/ دخترکان بی‌گناه/ بیا! کمک رسیده آه/ سنگدلان رو سیاه/ دریده‌گان پر غضب/ دهان نجس و بی‌ادب/ مریض و واجب‌المطب/ قماش تجزیه‌طلب/ پشت به ساحت وطن/ در التماس اهرمن/ نمی‌زنی! چرا بزن! آه وطن! وطن! وطن! صبر چگونه می‌کنی؟! بر این همه جفا علی؟ (نقل از سایت: <https://azadisq.com>)

۲-۳. توصیف نمادین با الگوی ایرانی اسلامی

ادبیات فارسی با هویت ملی و دینی در همه قرن‌ها قرین است و اگر الگوهای توصیفی و استفاده از نمادها را در اشعار پایداری در وصف شخصیت‌ها و محتواها بسنجیم، یک توصیف ایرانی اسلامی را شاهد هستیم و این مسئله برگرفته از فرهنگ غنی ماست که با آمیختن مفاهیم ملی و دینی، این الگو شکل گرفته است. این موضوع را از شاهنامه ببینیم، خود فردوسی در آغاز شاهنامه در بخش «گفتار اندر ستایش پیغمبر» دین اسلام را ستوده و به طور مستقیم گفته است.

بر این زادم و هم بر این بُگذرم چنان دان که خاک پیِ حیدرم

(فردوسی، ۱۳۷۵: ج ۱/ ۱۱)

با چنین ارادتی در برابر حمله تازیانی که هجوم به ویرانی ایران و فرهنگ ایرانی آوردند، شاهنامه را در حفظ هویت ملی سروده است. استفاده از عناصر اساطیری هم

از شاهنامه آغاز گشت؛ مثل کاربرد نمادین نام رستم که در شعر غنایی در صورخیال به عنوان شخص تنومند و توانا استفاده شده است، در ادب عرفانی با نماد انسان آرمانی، دگردیسی گشته است نمونه از این دگردیسی در هویت ایرانی اسلامی مثال بز نیم، بیت زیر از مولوی است که رستم را نماد انسان آرمانی در کنار امام علی(ع) قرار داده است

زین هم‌رهان سست عناصر دلم گرفت شیر خدا و رستم دستانم آرزوست
(مولوی، ۱۳۸۷: ۱/ ۲۵۵)

در شعر معاصر در محتوای وطن‌دوستی شاعران دوره قاجار و پهلوی، نامش با نماد قهرمان ملی دگردیسی می‌شود، از حجم انبوه آثار، شعر محمدتقی بهار را در دوره قاجار مثال می‌زنیم که در انتقاد از اوضاع داخلی کشور و اندوه نبود قهرمان ملی از نماد رستم استفاده کرده است و در توصیفش او را در کنار امام علی(ع) قرار داده است.
رفتند شیر مردان از مرغزار دین وینجا بجز شگالی و خوک و خری نماند
از بهر پاس کشور جم، رستمی نخواست وز بهر حفظ بیضه دین، حیدری نماند
(بهار، ۱۳۸۷: ۴۰۳)

یا اخوان ثالث در دوره پهلوی در توصیف از اندوهش از نابه سامانی اجتماعی، پیوسته اندوه می‌خورد که رستم(قهرمان ملی) در جامعه‌اش گرفتار است، با تلمیح به چاه افتادن او در شعر «آخر شاهنامه» با ناامیدی گفته است «ای پریشان‌گوی مسکین! پرده دیگر کن/ پور دستان جان ز چاه نابردار در نخواهد برد» (اخوان ثالث، ۱۳۸۹: ۷۵ - ۷۶)

در جریان شعر مقاومت، الگوهای اسلامی فراوانی یافت مثل ابیات زیر از صفارزاده که در سروده وطنی، امام حسین(ع) را اسوه مقاومت مردم انقلابی می‌داند و راه انقلابیون را راه امام حسین(ع) معرفی کرده است.

راه حسین(ع) / راه اقامه حق است / و این طریق یگانه / یگانه مرهم تاریخ زخم‌های ملت ماست (صفارزاده، ۱۳۹۱: ۳۴۴).

و البته که نماد رستم نیز همچنان با عنوان قهرمان و مبارز ملی ادامه دار شد. همزمان با مبارزه مردمی در دهه پنجاه و آغاز جنگ تحمیلی اول، بار دیگر شور حماسی در شعر وارد شد، نمونه تصادفی از اشعار این دوره، دو بیت زیر از نصرالله مردانی شاعر پایداری را می‌توان نام برد که در اوایل جنگ در توصیف همبستگی مردم در مقابله با دشمن با تشبیه به رستم تهمتن گفته است با سرپنجه ایمان شیشه عمر دیو(دشمن) را می‌شکنیم.

شیشه عمر تو ای دیو بدآیین زمان ما به سرپنجه ایمان چو تهمتن شکنیم

دیگر اهریمن «من‌ها» نفرید دل ما همگی ما بشویم و شیخ «من» بشکنیم

(مردانی، ۱۳۸۸: ۳۳۸)

در این زمان هم در جنگ رمضان، نام رستم با نماد مبارز وطن در جنگ با دشمن آمریکایی اسرائیلی، در نماهنگ معروف «بزن که خوب می‌زنی» زمزمه زبان مردم شد؛ در گفتگویی که با حجت الاسلام علی مقدم در سرایش شعر انجام گرفته، گفته است «به ذهنم رسید که قافیه را با همین «می‌زنی» هماهنگ کنم. سپس ذهنم به سمت اسطوره‌ها رفت. با خودم گفتم وقتی بحث زدن و حمله به دشمن مطرح است، از رستم شروع می‌کنم: «تو رستم تهمتنی، بزن که خوب می‌زنی». بعد از آن، کار راه افتاد و قافیه‌ها یکی‌یکی جور شد» (مقدم، ۱۴۰۵، به نقل از نور نیوز <https://nournews.ir>). در مورد کاربرد نمادهای ملی و مذهبی کنار هم گفته است: «در ذهنم بود که هم از نمادهای ملی مانند رستم تهمتن استفاده شود و هم از مفاهیم مذهبی مثل «خدا یار و یاورت» تا دایره مخاطبان گسترده‌تری را دربرگیرد. برخی توهم دارند که ملیت یک چیز است و دین چیزی جداگانه؛ اما در دوره انقلاب اسلامی، کسانی که عاشق‌ترین افراد به ایران بوده‌اند، متدین‌ترین نیز بوده‌اند. یکی از

دلایل فراگیر شدن این شعر، استفاده از نمادهایی است که طیف وسیع‌تری از مخاطبان را با خود همراه می‌کند» (همان).

نمونه دیگر شعر «حسبی‌الله» است که در محتوای جنگ رمضان با عناصر دینی سروده شده است، این آهنگ در سال‌روز شهادت امام علی(ع) منتشر شد. به گفته چاووشی این آهنگ «گفت‌وگوی من با مولایم علی(ع) است و براستی خدا برای ما بس است» (نقل از سایت <https://www.mehrnews.com>). محتوای شعر خطاب به امام علی(ع) است که فجایع و ظلم ظالمان تاریخ را می‌بیند. شاعر با امام صحبت می‌کند و در نمادسازی یکبار شمر را نماد دشمن ظالم قرار داده و یکبار در نکوهش خائنان، نماد اهریمن را برای دشمن آورده است.

صبر چگونه می‌کنی؟ / بر این همه جفا علی؟ / بغض چگونه می‌خوری؟ / یاد بده به ما علی / آه امام اولین / بگو به منجی زمین / تمام دل شکستگان / منتظرند بعد از این / میان دشمن و وطن / ننگ بر آن که شک کند / ننگ بر آن که خواسته / شمر به ما کمک کند (همان).

و در پایان شعر نیز در امیدبخشی و توکل بر خداوند گفته است:

بکش غم کشنده را / مبر ز یاد خنده را / فکر نکن چه می‌شود خدا بس است بنده را (همان).

۳. نتیجه گیری

در این مقاله سعی شد با انتخاب نمونه آثار برجسته در ادبیات فارسی که معروف هستند، محتوا و الگوی توصیفی مشترک در موضوع وطن و مواجهه با هجوم دشمن

در متون ادبی بررسی شوند. از شاهنامه تا سروده‌های جنگ رمضان، ادبیات این سرزمین لبریز از آثاری است که ادیبان در دفاع از ایران و هویت ایرانی گفته‌اند و هر زمان که دشمن به جنگ با ایران آمده است، با سلاح قلم به میدان رفته‌اند و در پاسداشت ایران و ایرانی، آثار خود را نوشته‌اند، مؤلفه‌های پرتکرار این متون در محتوا: عشق به ایران و وطن‌پرستی، توصیف دلاوری، رشادت و مقاومت مبارزان و شهدا و در تقابل آن نکوهش خیانت خائنان وطن است. در توصیف‌های زبانی و ادبی نیز واژه ایران و وطن پرتکرار است و نمادهای ایرانی و اسلامی در توصیف‌ها تکرار شده‌اند و نتایج بررسی اشعار نشان می‌دهد در دوره‌های مختلف ادبی یک الگوی توصیفی ایرانی اسلامی در این موضوع وجود دارد و محتوی بنیادین نیز ستایش مبارزان و شهدا و نکوهش دشمنان و خائنان است، شاهنامه اثر برجسته ادب کلاسیک بر محتوای پایداری تأثیر گذاشته است و تلفیق عناصر حماسی و اساطیری با عناصر دینی در آثار بعد از آن تا امروزه در متون تکرار شده است.

کتاب‌شناسی

الف: کتاب‌ها

- (۱) اخوان ثالث، مهدی (۱۳۸۹)، *آخر شاهنامه*، تهران: زمستان.
- (۲) اسلامی ندوشن، محمدعلی (۱۳۷۹)، *زندگی و مرگ پهلوانان در شاهنامه*، تهران: یزدان.
- (۳) اصفهانی، ابوالفضل کمال‌الدین اسمعیل (۱۳۴۸)، *دیوان*، با مقدمه و حواشی و تعلیقات به انضمام رساله القوس، به اهتمام حسین بحر العلومی، تهران: کتابفروشی دهخدا
- (۴) بهار، محمدتقی (۱۳۸۷)، *دیوان*، تهران: نگاه.
- (۵) تبریزی، صائب (۱۳۶۵)، *دیوان*، ج ۲، به کوشش محمد قهرمان، تهران: علمی فرهنگی.
- (۶) جوینی، علاءالدین عطاملک محمد (۱۳۸۸)، *تاریخ جهانگشای جوینی*، به تصحیح محمد قزوینی، تهران: نگاه.
- (۷) سبزواری، حمید (۱۳۶۸)، *سرود سپیده*، تهران: کیهان
- (۸) شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳)، *ادوار شعر فارسی تا سقوط سلطنت*، تهران: سخن.
- (۹) صفارزاده، طاهره (۱۳۹۱)، *مجموعه اشعار*، تهران: نگاه.
- (۱۰) عارف قزوینی، ابوالقاسم (۱۳۸۹)، *دیوان*، به کوشش مهدی نورمحمدی، تهران: سخن.
- (۱۱) عشقی، میرزاده (۱۳۵۷)، *کلیات مصور اشعار عشقی*، تألیف علی اکبر مشیر سلیمی، تهران: امیرکبیر

۱۲) فرخی یزدی، محمد (۱۳۶۳)، *دیوان اشعار*، به کوشش حسین مکی، تهران: سپهر.

۱۳) فردوسی، ابوالقاسم (۱۳۷۵)، *شاهنامه*، به کوشش جلال خالقی مطلق، محمود امید سالار، نیویورک، بنیاد میراث ایران.

۱۴) مردانی، نصرالله (۱۳۸۸)، *قانون عشق*، مجموعه شعر، تهران: صدرا.
۱۵) مشیری، فریدون (۱۳۸۸)، *بازتاب نفس صبحدمان*، کلیات اشعار، ج ۲، تهران: چشمه.

۱۶) موسوی گرمارودی، علی (۱۳۸۹)، *صدای سبز*، به گزیده شاعر از شعرهای خویش، چاپ سوم. تهران: قدیانی.

۱۷) مولوی، جلال‌الدین (۱۳۸۷)، *کلیات شمس*، تصحیح فروزان‌فر، تهران: امیرکبیر.

۱۸) ناصر، محمد (۱۳۸۲)، *تحول موضوع و معنی در شعر معاصر*، تهران: نشانه.

۱۹) نسوی، محمد بن احمد (۱۳۸۵)، *نقشه‌المصدر*، تصحیح و توضیح امیرحسن یزدگری، چاپ دوم، تهران: توس.

۲۰) نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف (۱۳۸۱)، *کلیات حکیم*، از روی نسخه وحید دستگردی، تهران: بهزاد.

ب: مقاله‌ها

۱) شفیع‌ی‌کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۲)، «*تلقی قدما از وطن*»، نشریه الفبا، صص ۱-۲۶.

- (۲) چهری، طیب، صفایی مقدم، مسعود، جوکار، منوچهر (۱۳۹۶)، «فضیلت وطن‌دوستی در شاهنامه و نظریه فضیلت ارسطو»، مجله مطالعات ملی، شماره ۲، صص ۹۹ - ۱۱۴.
- (۳) عباسی صاحبی، ربابه؛ امامی، فاطمه (۱۴۰۰)، «بازتاب جغرافیای وطن در ادبیات منظوم کلاسیک و معاصر فارسی»، فصل‌نامه بین‌المللی مطالعات زبان فارسی (شفای دل سابق)، شماره ۷، صص ۸۵ - ۱۰۰.
- (۴) فرخی، یزدان (۱۳۹۶) «سرانجام سلطان جلال‌الدین خوارزمشاه»، مجله تاریخ و تمدن اسلامی، سال سیزدهم، شماره ۲۵، صص ۵۷ - ۷۴.

ج: منابع اینترنتی

- (۱) «حسبی‌الله، واکنش محسن چاوشی به حمله آمریکا و اسرائیل به ایران» (۱۴۰۴)، سایت <https://azadisq.com/mag>، ۲۰ اسفند.
- (۲) «جنگ رمضان» (۱۴۰۵) سایت تابناک، <https://www.tabnak.ir>، ۳ اردیبهشت.
- (۳) «علاج همه اهل یقین و آزادگان جهان، در وطن است» (۱۴۰۴)، سایت مهر نیوز، <https://www.mehrnews.com>، ۱۱ اسفند.
- (۴) مقدم، علی (۱۴۰۵)، «گفتگوی تنسیم با شاعر بزن که خوب می‌زنی؛ پرمخاطب‌ترین شعر جنگ که ۲۰ دقیقه‌ای تولید شد، خبرگزاری تنسیم. www.tasnimnews.ir، ۱۱ اردیبهشت.
- (۵) مقدم، علی (۱۴۰۵) «چرا بزن که خوب می‌زنی فراگیر شد؟» (گفتگو با شاعر) سایت نور نیوز: <https://nournews.ir>، ۲۴ فروردین.